

دولت دوم ترامپ؛ هم فرصت، هم تهدید

فیاض زاهد و محمد مهاجری در یادداشتی مشترک تحلیل کردند

با استقرار دونالد ترامپ، ایران در معرض رویدادها و انتخاب‌های مختلفی قرار گرفته است. تحلیل شرایط پیش رو به تصمیم‌سازان و عناصر درگیر در فرآیند اتخاذ رویکردهای مناسب کمک خواهد کرد. به برخی مسائل اساسی در این باره می‌پردازیم:

۱- به نظر می‌رسد ترامپ هر چند در برخی راهبردها درصدد تداوم دور اول ریاست‌جمهوری خویش است، اما در تاکتیک‌های نیل به هدف تغییراتی اساسی داده است. کنار نهادن مثلث پومپئو، بولتن و برایان هوک و انتخاب چهره‌هایی چون جیدی ونس در کنار بازیگردانی چهره‌هایی چون ایلان ماسک نشان از یک راهبرد واقع‌بینانه‌تر می‌دهد.

انتخاب روش‌های مصالحه‌جویانه‌تر به جای تمرکز بر انتخاب روش‌های تهاجمی، توییت اخیر وی در مورد عدم معرفی چهره‌های جنگ‌طلب گویای این واقعیت نمادین است که ترامپ علاقه‌مند به جنگ است؛ اما نه جنگ نظامی. او متخصص جنگ‌های تجاری و تعرفه‌ای است.

۲- کنار نهادن تیم خاورمیانه و انتخاب استیو ویتکاف و اورتگاس در امور خاورمیانه به تحلیل رسانه‌های غربی، دادن شانس مجدد به دیپلماسی است. ویتکاف که تخصص اصلی‌اش خرید و فروش املاک است، با تجربه موفق در داستان جنگ غزه، همه تلاشش را برای انجام یک معامله پرسود برای آمریکا به کار می‌گیرد. اما همه ما می‌دانیم که دلان املاک دنبال کسب بالاترین امتیازات، اما بالاتر از امتیاز در پی جوش دادن معامله به هر قیمتی هستند.

۳- بزرگ‌ترین خطا در راهبرد، ارزیابی نادرست از وضعیت خود و طرفین است. خودبزرگ‌بینی بیش از اندازه، خطرناک است و خودتحقیری نیز غلط و بی‌معناست.

ما به عنوان ایران، هر چند کارتهای بازیگری‌مان از سال قبل و سال قبل‌تر و سال‌های قبل‌ترش کمتر شده، اما همچنان مهم‌ترین کشور غرب آسیا هستیم.

به دلیل اتخاذ روش‌های نادرست و فشار دشمنان کشور، برخی مزیت‌های خود را از دست داده‌ایم، اما به برکت تاریخ، جغرافیا و میراث دینی و تمدنی همچنان آنقدر مزیت داریم که ما و آمریکا را وادارد به یک ارزیابی درست از یکدیگر دست یابیم.

۴- هم امام خمینی(ره) و هم رهبر معظم بارها تاکید کرده‌اند که قطع رابطه ایران و آمریکا نمی‌تواند تا ابد ادامه داشته باشد. اینک پس از انجام پیمان‌های راهبردی با چین و روسیه، زمان اتخاذ تصمیم بعدی است. اگر قرار باشد روزی با آمریکا وارد گفت‌وگوهای جامع شویم، امروز یکی از آن انتخاب‌هاست.

دولت جدیدی در دو سو بر سر کار آمده است. دولت میانه‌رو پزشکیان مستظهر به حمایت مردم و رهبری است. تجربه مذاکرات برجام و مذاکرات پشت پرده موجود است. اگر طرفین تصمیم جدی به گفت‌وگو داشته باشند، می‌توانند با عزت و حکمت بر ماجرای رفع تحریم‌ها (که مصلحت امروز ماست) تمرکز کنند.

۵- رهبری در چند سخنرانی اخیر خود هوشمندانه سخنی که از آن بوی مخالفت برای ابداعات جدید به مشام برسد، بیان نکرده‌اند. حکمت رهبری حکم می‌کند که شاید از افراد و نهادهای مورد اعتماد خواسته باشند حول این موضوع گزارش‌های خود را آماده کنند.

این نکته را باید بپذیریم که دولت پزشکیان یکی از فرصت‌های محدود پیش رو است. چنانچه پزشکیان نتواند موضوع تحریم را حل کند، نه در جذب اعتماد مخاطبان داخلی خود موفق خواهد شد و نه قادر به حل بحران‌ها و ناترازی‌ها خواهد بود.

۶- مسعود پزشکیان را به صداقت و راستگویی می‌شناسیم. او روابط عاطفی خوبی با رهبری خردمند نظام دارد. اگر ارزیابی وی حل مسائل بین‌المللی است باید با صداقت و صراحت با رهبری سخن بگوید. برای یک‌بار هم شده رییس‌جمهور باید فداکاری هاشمی‌رفسنجانی در پایان جنگ را انجام دهد.

رهبر انقلاب از رشد ۸ درصدی سخن گفتند. این امر شدنی است. اما تامین نظر ایشان بدون رفع تحریم‌ها و برداشتن قفل از پای اقتصاد ملی ناممکن است. اگر ایران به توافق معقولی دست نیابد، تردید نکنیم که فشارهای تجاری بر چین موجب کاهش شدید فروش نفت ایران خواهد شد. باید برای یک‌بار هم که شده در شرایط غیراضطرار و در نتیجه ارزیابی‌های برد- برد به انتخاب دست بزنیم.

۷- تمام مطالعات انجام شده در جامعه جهانی پس از جنگ دوم جهانی نشان می‌دهد؛ هیچ کشوری، تکرار می‌کنیم؛ هیچ کشوری نتوانسته بدون سرمایه‌گذاری خارجی وارد مدار توسعه شود. هیچ سرمایه‌گذاری مناسب یا غیرمناسبی در شرایط تحریم امکان تحقق ندارد. توافق با دول

اروپایی بدون حل مشکلات با آمریکا ناممکن است. نباید دنبال راه‌های ناشدنی برویم؛ ما حتی اگر نگران محور مقاومت هم هستیم باید کشور مستقل، مرفه و قدرتمندی باشیم.

۸- ایران بهشت سرمایه‌گذاری است. صندوق‌های ذخیره کشورهای عربی پر از پول است. رشد اقتصادی چین کاهش شدیدی داشته است. رشد اقتصادی سه غول بزرگ اروپایی، انگلستان، فرانسه و آلمان منفی است. ایران آماده جذب هزار میلیارد دلار در اقتصاد خویش است. تنها در صنعت هوایی به پانصد هواپیمای مسافری نیاز دارد. در بخش نفت و گاز و پتروشیمی تشنه سیصد میلیارد دلار است. در بخش راه، حمل و نقل ریلی، گسترش بنادر و توریسم، ده‌ها میلیارد دلار سرمایه می‌توان جذب کرد. ایران برای تامین نظر رهبری بر جوان‌سازی جمعیت هم به این تکانش نیاز دارد. ایران به دنیا و دنیا به ایران برای شکوفایی محتاجند. ایران بهشت سرمایه‌گذاری است. باید خردورزانه از این مزیت بهره ببریم.

۹- هر تصمیمی در عرصه سیاست خارجی و رفع تحریم‌ها البته در داخل کشور مخالفان جدی دارد. این مخالفان به دو گروه شاخص تقسیم می‌شوند: کاسبان تحریم و مخالفان ایدئولوژیک.

۱۰- کاسب تحریم نه ناسزااست و نه تهمت. به‌طور مشخص از دوره احمدی‌نژاد برای مقابله با تحریم‌ها، زعمای قوم شاید با نیت خیرخواهانه به این نتیجه رسیدند که برای سرپا نگهداشتن اقتصاد کشور باید فکری کرد تا تحریم‌ها نتواند در بالادست به اقتصاد کلان و در پایین‌دست به معیشت مردم صدمه بزند. راهی که برای دستیابی به این هدف پیدا کردند، جعل عبارت «دور زدن تحریم» بود. از اینکه در اتاق‌های فکر، چه کسانی حضور داشته و برای توجیه این اقدام چه حرف‌هایی زده‌اند، چیزی نمی‌دانیم، اما به نظر می‌رسد خروجی آن جلسات، تامین نیازهای اساسی کشور از طریق فروش نفت از طرق غیرمعمول و واردات از روش‌های غیرمعمول‌تر بوده است.

از آنجا که اقتضای چنین فعالیت‌های اقتصادی، ناشفافیت است، بروز هر فسادی در آن طبیعی است. گذر زمان باعث می‌شود این درآمدهای بادآورده و خارج از نظارت، زیر دندان‌های عاملان آن مزه کند و به هیچ قیمتی حاضر به از دست دادن آن نباشند. به همین سادگی «کاسب تحریم» هر روز پولدارتر و قدرتمندتر می‌شود و چون دارای رانت و موقعیت انحصاری است و لزوماً از پشتیبانی‌هایی هم برخوردار است به ترکتازی خود ادامه می‌دهد. بدتر اینکه در برابر هر نظارتی مقاومت می‌کند و به هیچ قیمتی حاضر نیست منافع خود را کنار بگذارد و چون بالطبع هر مذاکره‌ای برای رفع تحریم به معنی شکستن شیشه عمر کاسبان تحریم است، با آن مخالفت می‌کند.

11- کاسب تحریم نمی‌تواند شغل خود را جار بزند، چون پیشه‌اش کریه و ناپسند است و وجاهت عامه ندارد. بنابراین چاره‌ای نمی‌ماند جز اینکه برای خود ویتیرینی دلپذیر بسازد. این ویتیرین را با شعارهایی که بوی انقلاب و ارزش‌ها را بدهد، پر می‌کند. خب بقیه مسیر کاملاً روشن است. او برای تداوم حیات خود نیاز به جار زدن دارد و به راحتی این کار را به گروه‌ها و افراد نیابتی واگذار می‌کند. هرچه جارزن‌ها ساده‌لوح‌تر و آتشین‌تر باشند او به به را به هدفش نزدیک می‌کنند.

او باید مخالفان خود را نفوذی و لیبرال و غربزده معرفی کند. برای این کار نیاز دارد که این برجسبها را کسانی بزنند که موقع داد زدن و شعار دادن، رگ‌های گردن‌شان متورم شود و رنگ چهره‌شان هم به سرخی بزند. تنها در چنین فضایی است که کشتی‌های روی آب کاسب تحریم می‌تواند در سواحل آرام پهلو بگیرد. به عبارت دیگر او برای کاسبی‌اش، گردو خاک به پا می‌کند تا چشمان جامعه کاسبی او را نبیند. مروری بر مواضع مثلاً انقلابی در مجلس، نشست‌ها، میزگردها، هیات‌ها، سخنرانی‌ها و رسانه‌ها حتی از سوی افراد نسبتاً موجه در سال‌های اخیر می‌تواند صحت این ادعا را اثبات کند.

12- قطعاً دور از انصاف است که همه تندروهایی که هر نگاه عملگرایانه به سیاست خارجی را به غربگرایی و وادادگی نسبت می‌دهند، نوکران و کارگزاران کاسبان تحریم بنامیم. بخشی از آنها نگاه ظاهراً ایدئولوژیک و شیوه اخباریگری دارند و گرفتار تعصبند. نوشته‌ها و گفته‌های‌شان پر است از آیات و روایات و بیانات بزرگان نظام و کشور.

آنها هر چند می‌توانند در عداد افراد دلسوز و ارزشی قرار گیرند، اما عملاً دیگ حلیم کاسبان تحریم را هم می‌زنند. آنها لابد در تصورشان ثواب جمع می‌کنند و برای منافع و امنیت ملی یقه می‌درانند. سختی کار آنجاست که توجیه این بخش از عناصری که رخت انقلابیگری بر تن دارند، آسان نیست. آنها نشان داده‌اند که حتی اگر بزرگان نظام و انقلاب نیز به موضوعی رای بدهند که خلاف ایده‌شان است تمکین نمی‌کنند. البته مرور زمان برخی از آنها را به واقع‌گرایی می‌کشاند، برخی دیگر افسرده و فرسوده می‌شوند و کنج عزلت می‌گزینند و عده‌ای هم سر موضع باقی می‌مانند.

13- سیاست چه از نوع داخلی و خارجی‌اش در نگاه ما معتقدان به نظام جمهوری اسلامی حتماً در اعتقادات دینی و انقلابی ما ریشه دارد. با این توصیف، هر نگاه برون دینی و برون انقلابی به سیاست، پیامدهای خطرناکی دارد که می‌تواند تا مرز استحاله انقلاب هم پیش برود. اما نباید فراموش کرد در همین نگاه درون دینی و درون انقلابی، تاکنون

مسائل متعددي از کشور را بدون اینکه از انقلاب و نظام و ارزشها دست بکشیم، حل کرده‌ایم. پایان‌بندی جنگ تحمیلی 8ساله، عدم مداخله در جنگ آمریکا و عراق، عبور از کنار جنگ افغانستان، برقراری مجدد روابط با عربستان بعد از حج خونین و اخیراً تصمیم مدبرانه در واقع سوریه نمونه‌هایی روشن از تصمیماتی است که با نگاه انقلابی و حفظ نظام اتخاذ شده و ضمن اینکه به معنای عقب‌نشینی از ارزشها نبوده و منافع ملی نیز در آن لحاظ شده است.

در شرایط کنونی و مواجهه با دولت ترامپ، تکرار شیوه‌های خردمندانه گذشته و دوری گزیدن از هر رویکرد افراطی، ایران و ایرانیان را به سمت آرامش خواهد برد.

□□□□□□□□ 1403 □□□□ 6 □□□□□□ □□□□□□□□ □□□□□